

# آسیای مرکزی، گذشته، حال و آینده

• زهرا جعفری

همایش بین‌المللی «آسیای مرکزی»، گذشته، حال و آینده با حضور جمعی از اساتید دانشگاه و پژوهشگران داخلی و خارجی در روزهای شانزدهم و هفدهم اسفندماه ۱۳۸۴ در دانشگاه تهران برگزار شد. این همایش با همکاری مؤسسات «تحقیقات و توسعه علوم انسانی»، «مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز»، «مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین»، «برنامه اوراسیای مرکزی دانشکده حقوق و علوم سیاسی» و «دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران» برگزار شد. در این همایش ۲۶ مقاله منتخب ارائه شد که در اینجا خلاصه‌ای از آنها گزارش می‌شود:

## دکتر رضا شعبانی: مشترکات تاریخی

دکتر شعبانی، استاد دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به مشترکات میان ایران و کشورهای همسایه گفت: برای مردمان این مناطق دو پدیده اهمیت بسیاری دارد. یکی زبان فارسی و دیگری دین اسلام است؛ به گونه‌ای که هشتاد درصد مردم ازبکستان فارسی می‌دانند و دین اسلام را از ایران گرفته‌اند. وی بسیاری از مشکلات موجود در سطح دنیا را، مشکلات تاریخی عنوان کرد و افزود: زبان، فرهنگ، عقاید و باورهای ما با مردمان کشورهای منطقه، عجین است و مجموعه کشورهای آسیای مرکزی، شبه قاره و افغانستان مشترکات تاریخی بسیاری با ما دارند.

دکتر شعبانی تأکید کرد: امروز، دوران به هم پیوستگی مجموعه‌ای از عناصر است که به حکم تاریخ، باید در کنار یکدیگر زندگی کنند و آینده دنیا را بسازند.

## دکتر عبدالحسین خیراندیش: تأثیر خاطره تاریخی

ایرانیان از آسیای مرکزی بر سیاست خارجی ایران دکتر خیراندیش، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز درباره خاطره تاریخی ایرانیان و تأثیر آن بر نگرش آنان به آسیای مرکزی سخن گفت. وی با بیان اینکه پس از فروپاشی شوروی، تصور واقع بینانه‌ای از آسیای میانه در دنیا وجود نداشت، اظهار داشت. ایرانیان به اندازه کافی به مسائل آسیای میانه نپرداخته

بودند و این مسئله بر اقدامات بعدی آنان در این منطقه اثر گذاشت.

هر چند که آسیای میانه در همسایگی ما قرار دارد ولی ما در تفکر خود آن را یک مفهوم مجرد تلقی می‌کنیم در حالی که این منطقه با عوامل دیگری در سیاست جهانی در ارتباط است. دکتر خیراندیش افزود: در گذشته آسیای میانه برای ایران با افغانستان و مسائل آن تحلیل می‌شد ولی ایران هنوز هم نتوانسته است میان شبه قاره هند و آسیای میانه تحلیلی واحد برقرار نماید.

در حالی که در دنیا به آسیای میانه همزمان با شبه قاره هند نگاه کرده‌اند که نمونه آن در همکاریهای اقتصادی و فرهنگی نمود پیدا کرده است.

## محسن جعفری مذهب: عدم ارتباط جدیدان ماوراء النهر

### با مشروطه خواهان ایرانی

آقای جعفری مذهب، عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در سخنرانی خود ارتباط جدید میان ماوراءالنهر با مشروطه خواهان ایرانی را بررسی کرد و اظهار داشت: با آنکه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، سرآغاز نهضت بیداری در ایران و جنبش مشروطیت در سال‌های بعد بود، ولی جدیدان ماوراءالنهر نه تنها هرگز با روشنفکران و مشروطه خواهان ایران ارتباط نداشتند بلکه از اشاره به ایران و نشریه‌های فارسی زبان

نیز ابا داشتند.

وی افزود: به غیر از بخش خان‌نشین بخارا که با روشنفکران سوسیال ایران رابطه خوبی داشت، بقیه آنها با ایرانیان ارتباطی برقرار نمی‌کردند.

#### داوود چرمی: چگونگی انضمام آسیای مرکزی به روسیه تزاری

آقای چرمی، کارشناس آسیای مرکزی در بررسی چگونگی انضمام آسیای مرکزی به روسیه تزاری گفت: در تحلیل‌های مربوط به این موضوع وحدت نظر دیده نمی‌شود و بین دو نظریه «الحاق» و «اشغال» همیشه اختلاف نظر وجود دارد.

وی افزود: نظریه الحاق بر آن است که آسیای مرکزی به صورت داوطلبانه به روسیه الحاق شده و نظریه اشغال بر این اساس است که روسیه به وسیله نیروهای نظامی آسیای مرکزی را تسخیر کرده است.

این کارشناس آسیای مرکزی روند این دو نظریه را در آثار مربوط به قبل از انقلاب اکتبر و بعد از آن بررسی کرد.

#### دکتر مریم معزی: بدخشان واقعی

خانم معزی، عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درباره موقعیت سرزمین بدخشان در آسیای مرکزی گفت: در دو سوی رود جیحون دو استان پهناور به نام بدخشان دیده می‌شود که یکی در افغانستان و دیگری در کشور تاجیکستان واقع شده است.

وی درباره موقعیت سیاسی و استراتژیک بدخشان در کشور تاجیکستان گفت: بزرگی ایالت بدخشان و نام‌گذاری سرزمینی که هیچ وقت بدخشان نبود، به این نام، بیانگر سیاست خاصی است. چنین کاری با این هدف صورت گرفته است که در صورت تصمیم‌گیری درباره دو بدخشان، وسعت این ایالت در تاجیکستان کم نباشد تا در کشمکش‌های سیاسی و نظامی احتمالی بعدی مجبور به واگذاری آن به افغانستان نگردند.

#### دکتر علی رواقی: زبان فرارودی

دکتر رواقی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره زبان فرارودی در قرن بیستم اظهار داشت: از قرن دهم به بعد گسل فرهنگی میان ایران و فرارود ایجاد شد که باعث فاصله و عدم آشنایی فرارودیان با تحول‌های زبان پارسی گردید.

وی افزود: حدود هشتاد سال پیش، استاد عینی با کتاب نمونه‌ها، زبان فارسی امروز تاجیکستان را شکل داد به گونه‌ای که روش گفتار و نوشتار را ادغام کرد و با این کار توانمندی‌های گونه گفتاری زبان فرارود جان تازه گرفت.

دکتر رواقی تصریح کرد: گونه فرارودی، یکی از غنی‌ترین گونه‌های زبان فارسی است.

#### دکتر بهرام امیر احمدیان: اهمیت‌های آسیای مرکزی

دکتر امیر احمدیان، عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در مورد اهمیت موقعیت جغرافیایی منطقه آسیای مرکزی گفت: آسیای مرکزی از زمانی که توسط امپراطوری روسیه غصب شد، مورد حسرت کشورهای مختلفی قرار گرفت. ایران به خاطر اشتراکات فرهنگی همواره به این منطقه توجه داشت. اروپا و آمریکا به خاطر منطقه پیرامون «هارتلند مکی‌سندر» و اعراب به خاطر اهمیت این منطقه در صدر اسلام متوجه این منطقه بوده‌اند.

وی آسیای مرکزی را از سه جهت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکسی دارای اهمیت دانست و در مورد اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه گفت: این منطقه بین دو قدرت بزرگ آسیای چین و روسیه واقع شده است و بازیگران منطقه‌ای دیگر چون ایران، پاکستان و هندوستان در آن تأثیر گذارند. ضمن آنکه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر اهمیت آن افزوده است و باعث افزایش رقابت‌ها در این منطقه شده است.

امیر احمدیان اهمیت ژئواستراتژیکی این منطقه را به خاطر واقع شدن آن در محل برخورد دو قلمرو دریایی ایالت متحده و هم پیمانانش و قلمرو در حال شکل‌گیری روسیه، چین و

دکتر شعر دوست، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی درباره تأثیر شعر ایران در تاجیکستان گفت: شعر معاصر تاجیک، هم از شعر معاصر کلاسیک و هم از شعر نو ایران متأثر است. از میان شاعران متقدم، مولوی بیش از همه بر شعر تاجیک اثر گذاشته و زبان تغزل شعر تاجیک از غزل شمس مولانا بسیار متأثر بوده است. هر چند اثرگذاری سبک حافظ و بیدل نیز بر شعر تاجیک مشهود است.

وی افزود: شعر معاصر ایران، هم بر سبک و هم بر زبان شاعران تاجیک مؤثر بوده است و تأثیر شاعران نوگرا چون ملک الشعرای بهار، شهریار، شفیعی کدکنی، فریدون مشیری، نیما، فروغ و سایر شاعران نوسرا در آثار شاعران تاجیک دیده می‌شود.

دکتر شعر دوست تأکید کرد: شعر فارسی از دو جنبه لحن و زبان و موسیقی بیشترین تأثیرگذاری را بر شعر تاجیک داشته است.

#### دکتر محمد حسن خانی: همگرایی در آسیای مرکزی

دکتر حسن خانی، عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق پدیده سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای نیمه دوم قرن بیستم را بازیگر جدید عرصه نظام بین‌المللی خواند و گفت: این بازیگران جدید در فاصله دهه‌های پنجاه تا نود میلادی به عنوان یکی از مکانیسم‌های تحقق همگرایی منطقه‌ای ایجاد شده و به تدریج بسط و گسترش یافته‌اند. وی لازمه همگرایی را برخورداری از حداقل امکانات و اشتراکات و انگیزه کافی برای گردآمدن حول یک مرکز جدید دانست و افزود: کشورهایی که به دلایل تاریخی، سیاسی و اقتصادی و یا اجتماعی از حداقل اشتراکات برخوردار نیستند و از هرگونه حرکت‌های همگرایی به دور هستند.

حسن خانی در مورد روند همگرایی در منطقه آسیای مرکزی گفت: حرکت به سوی همگرایی در این منطقه با فروپاشی شوروی آغاز و با پشت‌سرگذاشتن مراحل متعدد وارد مرحله جدیدی شد.

کشورهای استقلال یافته که تجربه تلخ و ناموفق به هم پیوستگی اجباری و مبتنی بر نظم آهنین تحمیلی را پشت سرگذاشته بودند با توجه به موقعیت موجود خواستار آن شدند تا در یک بستر طبیعی و بر پایه مقتضیات جغرافیایی - تاریخی، سیاسی و اقتصادی خود در مسیر همگرایی گام بردارند.

وی روند همگرایی در منطقه آسیای مرکزی را دارای دو رویکرد عمده دانست: رویکرد اول مبتنی بر نگاهی درون منطقه‌ای است که همکاری میان کشورهای منطقه را در اولویت قرار می‌دهد.

هند عنوان کرد و افزود: شکل‌گیری و توسعه ناتوی شرق و شکل‌گیری جبهه جدید قدرت بین‌المللی در این منطقه اهمیت ژئواستراتژیکی این منطقه را نشان می‌دهد.

وی وجود ذخایر غنی نفت و گاز، فلزات کمیاب و انواع محصولات دامی و کشاورزی را باعث ایجاد موقعیت ژئواکونومیکی در آسیای مرکزی دانست و تصریح کرد: مبارزه مداخله‌گران خارجی برای تأثیرگذاری بر روند تولید، صدور، انتقال ذخایر غنی انرژی آن، وجود شرکت‌های نفتی خارجی و سرمایه‌گذاران متعدد حاکی از اهمیت این منطقه در عرصه رقابت قدرت‌های جهانی است.

امیر احمدیان درباره علت حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی گفت: آمریکا از هرگونه اتحادی که بخواهد در مقابل منافش قرار گیرد، جلوگیری می‌کند و با توجه به اینکه تا ۳۰ سال آینده هنوز هیدروکربورها، هم‌چنان نقش حساس در جهان صنعتی خواهند داشت، در اختیار داشتن انرژی و تسلط بر این منابع از بدیهیات سیاست خارجی آمریکاست.

#### بحران معنویت در تاجیکستان: دکتر سلیمانی

دکتر سلیمانی، محقق مرکز مطالعات استراتژیک در مورد گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه تاجیکستان سخن گفت. وی با تأکید بر اینکه اسلام ستون فقرات جامعه تاجیک است، اظهار داشت: جای تأسف دارد که ارزش‌های بیگانه جامعه تاجیک را دربر گرفته است.

سلیمانی در تشریح تغییرات فرهنگی تاجیکستان گفت: تغییراتی در زبان و ادبیات رایج در جامعه همراه با تفسیر در گفت‌وگوها و ورود واژه‌های جدید رخ داده و رواج موسیقی پاپ، راک و تغییر موسیقی سنتی همراه با تغییر در مذهب و اخلاق به خصوص در سبک زندگی مردم مشهود است.

وی افزود: تاجیکستان در حال حاضر بحران معنویت را طی می‌کند و روحانیت باید از طریق بالابردن رشد معنوی جامعه و تأثیرگذاری بر رفتار مردم، نقش سازنده‌ای در اداره جامعه از خود نشان دهد و به فعالیت‌های فرهنگ‌آفرینی روی آورد.

وی با اشاره به ضرورت همگرایی کشورهای اسلامی برای گسترش فرهنگ اسلامی در منطقه، خاطرنشان کرد: مسئله همگرایی در قبال فرهنگ اسلامی باید از طریق روش علمی راه خود را پیدا کند و رهیافت اصولی برای گسترش همکاری‌های فرهنگی ایجاد شود.

دکتر علی اصغر شعر دوست: تأثیر شعر ایرانی بر شعر

تاجیکی

روی آن را طی چهار عامل اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی اکثر کشورهای عضو، دخالت قدرت‌های بیگانه و اختلاف میان اعضا مورد بحث قرار داد.

وی در مورد موانع اقتصادی پیش روی سازمان اکو گفت: این موانع محدودیت عمده‌ای ایجاد کرده و مهمترین آنها وابستگی اعضا به بلوک‌های قدرت است که خود معلول فقدان زیربنای اقتصادی قوی، فقدان نیروهای آموزش دیده، تکنولوژی ضعیف و وابستگی به جهان صنعتی است.

وی افزود: ضعف جنبه‌های تکمیلی - اقتصادی و حجم نازل تجارت میان اعضا به این مسئله دامن می‌زند.

دکتر نادرپور در مورد معضل بی‌ثباتی سیاسی در بین کشورهای عضو اکو گفت: با توجه به ساختار قومی و تقسیم نژادی این کشورها از انسجام ملی برخوردار نیستند. ضمن آنکه اکثر این کشورها دوره فرآیند ملت‌سازی را پشت‌سر می‌گذارند و به خاطر استقلال‌تحمیلی هنوز دولت به عنوان یک نهاد امنیت‌ساز در فرهنگ سیاسی جامعه آسیای میانه درونی نشده است.

وی ادامه داد: ایران با وجود ثبات سیاسی، دارای ترکیب جمعیتی متنوعی است و پاکستان دچار درگیری‌های قومی - مذهبی است. ترکیب معضل کردها و افغانستان بافت قبیله‌ای دارد و در مرحله دولت‌سازی قرار دارد.

وی افزود: فقدان کثرت‌گرایی سیاسی - اجتماعی باعث تزلزل سیاسی شده و نبود تساهل و مدارای سیاسی و سستی بودن مبنای مشروعیت باعث شده تا سیاست در کشورهای آسیای مرکزی حول و حوش شخصیت‌ها و قبایل متمرکز شود.

وی در مورد مسئله مذهب و نقش آن در منطقه گفت: قدرت‌های غربی مخالف نفوذ نیروهای مذهبی در اکو هستند و بین کشورهای عضو اکو نیز اختلاف نظر در این زمینه مشهود است.

به گونه‌ای که ترکیب نظام سکولار متمایل به غرب دارد و پاکستان عملاً تحت کنترل گروه‌های مخالف غیر شیعه است در حالی که ایران حکومت مذهبی دارد.

دکتر بابک نادرپور یکی دیگر از موارد اختلاف بین کشورهای عضو اکو را نحوه نگرش کشورهای مؤسس این سازمان به غرب عنوان کرد و افزود: در حالی که ترکیب از دیرباز تلاش مستمری برای ورود به جامعه اروپا داشته و به مثابه مهره ناتو در شرق دارای پیوندهای نظامی با آمریکا و اسرائیل است، ایران سیاست ضدآمریکایی و اسرائیلی دارد و از سوی دیگر اختلاف بین نخبگان دو کشور به صورت تعارض پان اسلام‌یسم و پان ترکیسم درآمده است.

وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد نقاط قوت

رویکرد دوم ماهیتی فرامنطقه‌ای دارد که کشورهای خارج از منطقه را نیز دربرمی‌گیرد و بازیگران فرا منطقه‌ای نقش محوری در این زمینه دارند.

وی «سازمان همکاری و امنیت اروپا» را حاصل رویکرد دوم عنوان کرد و در مورد این سازمان گفت: نگاه معطوف به شرق کشورهای اروپای غربی در کنار آمریکا و کانادا، این سازمان را در اروپا پایه‌گذاری کرد و در پرتو تحولات جدید، تمرکز خود را بر روی همسان‌سازی کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی به ویژه منطقه آسیای مرکزی قرارداد و اکنون جایگاه کلیدی در تعامل غرب با روند تحولات منطقه یافته است.

دکتر محمد حسن‌خانی مهمترین اهداف این سازمان در منطقه آسیای مرکزی را تعریف ساختارهای جدید و تغییر ساختارهای ناکارآمد سابق، اصلاح سیستم بوروکراسی به ارت رسیده از شوروی و کمک به انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به منظور تسهیل و کم هزینه ساختن پروسه انتقال عنوان کرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به سازمان اکو در مورد علل عدم موفقیت به عنوان یک سازمان همگرای منطقه‌ای گفت: اختلافات عمیق و تفاوت‌های آشکار میان اعضا و رقابت بین اعضای کلیدی آن سبب شده تا این سازمان هیچ‌گاه نتواند پتانسیل‌های مثبت خود را به فعلیت رساند و عملکرد آن معطوف به برگزاری اجلاس و نشست‌های تشریفاتی و دبیرخانه مانده است.

وی سپس به پیمان شانگهای (متشکل از کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان) اشاره کرد و اظهار داشت: اقتصاد شکوفای چین نیروی محرکه کشورهای عضو این پیمان است و پیوستن ایران و هند به آن می‌تواند به مفهوم تشکیل یک جبهه جدید سیاسی - امنیتی در برابر ایالات متحده تلقی شود.

وی در ادامه چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیش روی اعضای پیمان شانگهای را بررسی کرد.

دکتر حسن‌خانی الگویی متشکل از همگرایی منطقه‌ای، تشریک مساعی با کشورهای پیرامون و تعریف منافع مشترک با بازیگران منطقه‌ای را به عنوان راهکار سوم در عرصه همگرایی بین‌المللی پیشنهاد کرد.

#### دکتر بابک نادرپور: اکو در بوته نقد

دکتر نادر پور، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد در مورد نقش سازمان اکو در منطقه آسیای مرکزی سخن گفت و موانع پیش

سازمان اکو یادآور شد:

اکو بستر و ظرفیت مناسبی برای همکاری‌های منطقه‌ای دارد و میراث مشترک تاریخی بین اعضا و در کنار ذخایر زیرزمینی غنی و موقعیت جغرافیایی مهم عرصه مناسبی برای گسترش همکاری بین اعضا فراهم ساخته است.

وی افزود: اکو یک ساختار اقتصادی است و باید برای تأمین منافع به همه طرف‌های درگیر توجه شود و هر نوع اختلاف‌نظر و تفاوت دیدگاه اعضا نباید بر جایگاه استراتژیک ارتباطات منطقه تأثیر بگذارد.

دکتر بابک نادرپور تصریح کرد: تقویت اکو مانع قدرت‌گیری مجدد روسیه می‌شود و مجاورت کشورهای عضو اکو از طریق ترکیه به اروپا، این منطقه را به یک سازمان موفق منطقه‌ای تبدیل می‌کند و باعث افزایش توان کشورهای آسیایی، بازیابی هویت فرهنگی و تقویت شالوده استقلال اقتصادی آنها می‌گردد.

**دکتر مصطفی ندیم: عوامل شکل‌گیری حماسه در**

**ماوراءالنهر**

دکتر ندیم، عضو علمی دانشگاه شیراز در مورد بنیادهای جغرافیایی شکل‌گیری حماسه‌های ایرانی در ماوراءالنهر سخن گفت:

وی ورود به عصر آهن و شکوفایی آن، مهاجرت و تفسیر فرهنگ را از خواستگاه‌های اصلی رشد حماسه در آسیای مرکزی ذکر کرد و در مورد شرایط و عوامل زیست‌محیطی پیدایش این پدیده گفت:

حمله به شهرها در این جوامع و در شرایطی که حکومت متمرکز وجود ندارد باعث می‌شد تا به غیر از دستگاه حاکمه، بدنه جامعه نیز با دشمن بجنگند. در این جوامع، روحیه جنگجویی و سلحشوری شاخصه اصلی روحیه مردمی است و سنت خاندان‌ها و خاندان‌پدیری اهمیت زیادی دارد.

وی افزود شهرهای آسیای مرکزی و حتی جامعه دامداری در شرایطی قرار داشته که نیازمند داشتن قهرمان است. زیرا شهرها به طور دایم در معرض تهاجم اقوام بیگانه قرار داشتند و از سوی دیگر سیل، خشکسالی و مرگ احشام از تهدیدات دائمی در این مناطق بوده است.

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز با بیان این که حماسه‌ها از وحدت سخن می‌گویند، تصریح کرد.

مهمترین کارکرد اجتماعی حماسه‌ها، حفظ وحدت در جوامع است. حماسه‌ها تصویری از روح ملی است که خواهان وحدت در برابر اقوام بیابان‌گرد است و از آنجا که در جوامع شهری و دامدار

آسیای مرکزی، جنگ از وجوه اصلی، فراگیر و عمومی‌ترین مسئله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است، به وحدتی نیاز بوده که از طریق حماسه به دست می‌آمده است.

وی در مورد شرایط اجتماعی تشکیل دهنده و مؤثر بر حماسه گفت: تجلی روح جمعی با آیین‌هایی همراه است که ریشه در بافت اجتماعی دارد. از آنجا که در گذشته شهرها بزرگ نبودند و نهادهای اجتماعی و طبقات اجتماعی وجود نداشتند، گستری در جامعه وجود نداشته و به خاطر عشائری بودن جامعه، پیوند مستحکمی بین مردم وجود داشته است.

دکتر ندیم در مورد شرایط سیاسی مؤثر بر شکل‌گیری حماسه اظهار داشت: حماسه‌ها معمولاً در شرایط بحران‌های سیاسی یا فقدان نهادهای سیاسی ایجاد می‌شوند و نه در دوره‌ای که تمرکز سیاسی و آیینی خاصی وجود دارد. در این دوره هنوز زمان تدوین خدای نامه‌ها و انتقال اخبار بر پایه نقل‌ها و بیان‌ها پراکنده عامیانه فرانسیده است و در این شرایط است که روایات در حافظه ملی ثبت می‌شود و شکل ابتدایی تاریخی به خود می‌گیرد.

**دکتر عنایت یزدانی: تأثیر اسلام بر ساختار سیاسی آسیای**

**مرکزی**

دکتر یزدانی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان در مورد نقش اسلام پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در منطقه آسیای مرکزی چهار دیدگاه رایج را مورد بررسی قرار داد: در دیدگاه اول و دوم اسلام به عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح می‌شود و به سمتی می‌رود که دولت‌های مستقل اسلامی با ویژگی‌های خاص تأسیس شود. در دیدگاه سوم اسلام به مثابه یک ایدئولوژی رادیکال ضد مدرنیسم تلقی شده است و در دیدگاه چهارم اسلام با توجه به گسترش حکومت سکولار در این منطقه، تأثیر زیادی ندارد و تحول عظیمی صورت نخواهد داد.

وی افزود: این نظریه‌ها مبتنی بر نوع رابطه و تأثیر کشورهای منطقه بر کشورهای آسیای مرکزی است. بنابراین دو نظریه اول به تأثیر نفوذ ایران بر کشورهای منطقه مربوط است. نظریه سوم بر نفوذ و تأثیر طالبان همچون افغانستان و عربستان تأکید دارد. نظریه چهارم هم مرتبط با روابط این کشورها با ترکیه است.

یزدانی در مورد تأثیر اسلام در سازوکارهای اجتماعی و سیاسی منطقه آسیای مرکزی اظهار داشت:

شخصیت و سابقه و دیدگاه‌های رهبران سیاسی کشورهای آسیای مرکزی از عوامل مؤثر بر کاهش تأثیر اسلام در این منطقه است. خصوصیات و سوابق رهبران این کشورها نشان

می‌کند.

نیازی راه حل مشکلات موجود را اقتصاد نوین عنوان کرد که، هم به محیط زیست و هم به اقتصاد و فرهنگ توجه دارد و افزود: بسیاری از دیدگاه‌های اسلامی با رشد و توسعه پایدار هماهنگی دارد زیرا اسلام در کشورهای آسیای مرکزی پویایی زیادی از خود نشان داده و رهبران اسلامی هم در تعیین موقعیت کشورشان نقش مؤثری داشته‌اند.

#### دکتر مهدی سنایی: هویت و دولت در آسیای مرکزی

دکتر سنایی، رئیس مرکز مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شکل‌گیری و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را در راستای رویکرد فرهنگی و هویتی توصیف کرد و در مورد این رویکرد گفت: توجه به فرهنگ و هویت در حوزه سیاست قدمت چندانی ندارد. در اواخر قرن ۱۹ مکتب واقع‌گرایی از سوی جامعه‌شناسان فرانسوی مطرح شده است. در این دیدگاه سیاست‌های قومی، محلی، فرهنگی، زبانی و دینی بررسی می‌شود. وی تصریح کرد: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از زمان خروشچف آغاز شد زیرا وی سیاست‌های استالین را زیر سؤال برد و همه آنها را تغییر داد. او با اعطای آزادی‌های قومی، زبانی و فرهنگی به جمهوری‌ها زمینه فروپاشی را فراهم ساخت.

آقای سنایی افزود: عدم شکل‌گیری هویت در دوره استالین رخ داد زیرا وی میان جهان شمولی کمونیسم و اداره حکومت در شوروی دچار تعارض شده بود و از آنجا که برای اداره روسیه به سمبل‌هایی نیاز داشت به ملی‌گرایی روی آورد.

وی ادامه داد: هویت نوین سوسیالیستی عناصری چون زبان، دین و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داد، ولی از دهه ۱۹۵۰ مشخص شد که مردم از این عناصر برای توسعه سمبل‌های فرهنگی‌شان استفاده می‌کنند.

بنابراین هویتی شکل نگرفته بود بلکه احساس تفاهم مشترکی ایجاد شده بود که هنوز هم وجود دارد. سنایی با اشاره به مبحث «خود» و «دیگری» در هویت‌سازی گفت: یکی از مشکلات عمده در آسیای مرکزی این است که مرزبندی بین خود و دیگری امکان‌پذیر نیست و احساس مشترک ایجاد شده بین ملت‌ها و اقوام منطقه باعث شده تا آنها نتوانند قالب‌های جدید مرزبندی شده را بپذیرند.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: جمهوری‌های آسیای مرکزی همزمان در حال تدوین هویت‌های فردی، اجتماعی و دولتی هستند و به همین دلیل تعریف دولت‌های آسیای مرکزی نیز دشوار است و انقلاب‌هایی در آنها رخ می‌دهد که با چارچوب تئوری‌های شناخته شده انقلاب در دنیا قابل تفسیر نیست.

می‌دهد آنها تحت تأثیر اندیشه‌های کمونیستی هستند.

وی افزود: اندیشه و تجارب کمونیستی به آنها یاد داده است تا به اسلام به عنوان یک ایدئولوژی خطرناک نگاه کنند. چنین رویکردی باعث شده تا اسلام نتواند شرایط مناسب را برای مدیریت اجتماعی نشان دهد و فعالیت‌های اسلامی به زیرزمین کشانده شده است.

یزدانی تصریح کرد: با توجه به جو خفقان حاکم در این کشورها، نمی‌توان آینده روشنی را برای گسترش دین اسلام به عنوان یک دین کارآمد در نظر گرفت. بنابراین نظریه چهارم در مورد این منطقه قابلیت انطباق دارد زیرا حکومت‌های منطقه عموماً سکولارها هستند و دیانت در جامعه آنها کاربردی ندارد مگر آنکه نسل رهبران فعلی این کشورها تغییر کند.

#### دکتر عزیز نیازی: اسلام و جهانی شدن در آسیای مرکزی

دکتر نیازی، پژوهشگر آسیای مرکزی، احیای اسلام در آسیای مرکزی را نتیجه صنعتی شدن و حضور فرهنگ آسیایی و مسیحیت در این منطقه ذکر کرد و در این مورد به تاجیکستان اشاره کرد و اظهار داشت: اکثر رهبران اسلامی این کشور را از منطقه طویل دره که مرکز صنعتی بزرگی در آنجا در حال ساخته شدن بود، برخاسته‌اند. به خاطر عوارض ناشی از احداث مراکز صنعتی در این منطقه جمعیت مجبور به کوچ اجباری شده بود و از آنجا که متوسل شدن به مقامات بالا مرتبه نیز سودی عاید مردم نکرد مردم برای مقابله با پدیده‌ای که در حال رخ دادن بود، به دامن اسلام پناه آوردند و از طریق ارزش‌های دینی به مقاومت در این منطقه پرداختند.

وی افزود: پس از این ماجرا، اسلام خواهان در تاجیکستان جایگاه ویژه‌ای یافتند و نهضت اسلامی آن کشور حتی پس از جنگ هم جایگاه ویژه خود را حفظ کرد و تنها کشوری است که در آن احزاب اسلامی در کنار کمونیست‌ها در اداره کشور سهیم هستند.

نیازی با اشاره به ارزش‌های تسامح و عدالت در دین اسلام افزود: ارزش بودن عدالت در اسلام باعث شده تا رهبران اسلامی که علیه کمونیسم مبارزه می‌کردند به عدالت اجتماعی زمان حکومت شوروی کمونیست اعتراف کنند و از بی‌عدالتی ایجاد شده پس از فروپاشی شوروی انتقاد کنند.

وی با اشاره به تفاوت‌های موجود بین جهانی شدن و جهانی سازی اظهار داشت: آنچه در آسیای مرکزی رخ می‌دهد، جهانی سازی است که توسط قدرت‌های جهانی دنبال می‌شود و یک پروسه سیاسی است که توسط خانم تاجر و ریگان در ۱۹۷۸ آغاز شده و یک رویه خاص سیاسی و اقتصادی را در دنیا دنبال

و پیشینه ناسیونالیسم در منطقه، تعمیم الگوی ناسیونالیسم اروپایی در سرزمین‌های آسیای مرکزی و قفقاز موفقیت‌آمیز نبوده است.

وی ناسیونالیسم را حاصل تجربه خاص اروپاییان عنوان کرد و اظهار داشت: ناسیونالیسم به عنوان یک نهضت و مرام، حاصل قرن ۱۸ و ناشی از دو منبع شهری و قومی بود. عطایی ضمن تفکیک ناسیونالیسم فرانسوی از آلمانی گفت. ناسیونالیسم انقلاب فرانسه ریشه در اصول شهروندی داشت ولی ناسیونالیسم آلمان مبتنی بر مردم و قومیت بود که بر اساس آن هر کدام از اقوام می‌بایست دولت و کشور مستقلی می‌داشتند و بیشتر احساسی و عاطفی بود.

وی افزود: در نیمه دوم سده نوزدهم این دو عنصر ناسیونالیسم درهم آمیخت و دکترین واحدی ایجاد شد که مبتنی بر اصولی چون وفاداری ملی و تقویت دولت ملی بود. عطایی در مورد ملیت و وفاداری سیاسی در خاورمیانه گفت: در خاورمیانه، جهان‌بینی مردم مبتنی بر اعتقاد به ماوراءطبیعه است و مشروعیت حکومت‌ها بر پایه مشروعیت دینی قرار دارد. وفاداری سیاسی در درجه اول به خلیفه و سلطان و در درجه دوم به روستا و منطقه محل سکونت برمی‌گردد.

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، ناسیونالیسم در این منطقه را متفاوت از اروپا ذکر کرد و اظهار داشت: ناسیونالیست تاریخی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی رنگ و بوی فرهنگی و اعتقادی دارد به گونه‌ای که مرزها سیال است و احساس همبستگی عمدتاً ناشی از هم‌مسلمکی، هم‌زبانی و هم‌آیینی است تا وابستگی به سرزمین و خاک مشخص.

وی در مورد ساختار حکومتی در آسیای مرکزی گفت: زندگی در قالب دولت‌های ملی به مردم بازمانده از امپراطوری شوروی از سوی جامعه بین‌الملل تحمیل شده در حالی که یکی از ویژگی‌های مهم این منطقه، اختلاط و امتزاج ستوده اقوام مختلف در این منطقه بوده است.

عطایی تقسیمات مرزی که در زمان حکومت اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد را ناشی از دو علت دانست. نخست آنکه مردم به شکل کاذب احساس تفاوت با یکدیگر پیدا کنند تا گرایشاتی چون بان‌ترکسیم و پان‌اسلامیسم در منطقه ایجاد نشود و در مرحله بعد، نوع تقسیم و نحوه انجام آن، زمینه ساز اختلافات بعدی بین جمهوری‌ها شود.

وی با اشاره به هویت‌های ملی جدیدی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به صورت اجباری در هر کدام از جمهوری‌های استقلال یافته ایجاد شده، اظهار داشت: رهبران این کشورها برای کسب مشروعیت، گرایش‌های شدید

**دکتر ناصر تکمیل همایون: نام و نشان آسیای مرکزی**  
دکتر تکمیل همایون، عضو هیأت علمی پژوهشگاه و استاد تاریخ با اشاره به انواع تقسیم‌بندی‌های جهان از گذشته تا به حال، ظهور عبارت «آسیای مرکزی» را به زمان رایج شدن علم در دنیا نسبت داد و گفت: وقتی دنیا علمی شد، تقسیم‌بندی‌ها نیز علمی شد و آسیا به بخش‌های شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شد. اروپا، آفریقا و آمریکا نیز تقسیم‌بندی مشابهی پیدا کردند.  
وی کاربرد اصطلاح «آسیای میانه» به جای آسیای مرکزی را غلط خواند و در توضیح آن گفت:

روسیه تا سال ۱۹۲۲ این منطقه را آسیای مرکزی می‌نامید ولی زمانی که صاحب قدرت شد و آن مناطق را تصرف کرد، از اصطلاح آسیای میانه استفاده کرد. بنابراین استفاده از اصطلاح آسیای میانه یک شیوه استعمارگرایی است در حالی که کاربرد اصطلاح آسیای مرکزی یک شیوه علمی است.  
وی پس از اشاره به اسامی اطلاق شده بر آسیای مرکزی در ادبیات فارسی، درباره روند کشورسازی در این منطقه گفت: در جریان کشورسازی، به هویت‌های قومی توجه نشده است. به عنوان مثال در سمرقند و بخارا مردم تاجیک هستند ولی در کشور ازبکستان قرار گرفته است و یا در قزاقستان، نصف جمعیت روس و بقیه آلمانی هستند و تنها ۵ میلیون قزاق وجود دارد.

دکتر تکمیل همایون تأکید کرد: این تقسیم‌بندی‌ها کاملاً سیاسی و به ویژه استالینیستی است و جنبه علمی و فرهنگی ندارد.

وی در مورد تأثیر و نفوذ فرهنگ ایرانی در این مناطق گفت: تمام ادیان و مذاهب رایج در این منطقه، متعلق به آریایی‌ها بوده و خاستگاه ایرانی دارند. عرفان و تصوف آن هم از ایران نشأت گرفته است. حتی علمای مذهبی آسیای مرکزی ایران بودند و طلاب این مناطق درس‌های‌شان را به زبان فارسی می‌آموختند.

دکتر تکمیل همایون تصریح کرد: اسلام و مسلمانی جنبه ناسیونالیستی به خود گرفته است و تا زمانی که دولت‌ها و مردم این منطقه انسجام نیابند و از سرزمین‌شان شناخت پیدا نکنند، هویت فرهنگی جدیدی کسب نخواهند کرد.

**دکتر عطایی: سیر ناسیونالیسم در آسیای مرکزی**  
دکتر عطایی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در مورد ناسیونالیسم در آسیای مرکزی گفت: به علت فقدان تجربه

ناسیونالیستی از خود نشان می‌دهند و از مرزهایی که در زمان استالین به خاطر منازعات سلطه‌جویانه مسکو ایجاد شده، به عنوان وسیله‌ای برای احراز هویت ملی بهره می‌برند.

عطایی با اشاره به کاهش اهمیت و نزول اقتدار مرز در آستانه جهانی شدن، اظهار داشت: اگر تجربه فروپاشی عثمانی و تقسیم آن به دولت‌های ملی، تجربه‌ای در زمینه تشکیل دولت‌های ملی باشد، نمی‌توان به آینده تحولات منطقه و جمهوری‌های استقلال یافته خوش بین بود و از بالکانیزه شدن آسیای مرکزی غافل ماند.

**دکتر رویا منتظمی: موقعیت سوق‌الجیشی آسیای مرکزی**  
خانم دکتر منتظمی، استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد در مورد مفهوم ژئواستراتژیک در علم سیاست گفت: ژئواستراتژی، یکی از بخش‌های ژئوپلتیک است که هدفش مطالعه نیروها و امکانات و موقعیت‌های جغرافیایی است که تسلط بر آنها منجر به افزایش قدرت و ثروت یک کشور می‌شود.

وی درباره اهمیت ژئواستراتژیک آسیای مرکزی اظهار داشت:

منابع آسیای مرکزی و مسیرهای انتقال انرژی عاملی است که در شکل‌دهی ژئواستراتژی منطقه مؤثر خواهد بود. منتظمی ژئواکونومیک را قاعده جدید در رقابت‌های بین‌المللی خواند و در مورد اهمیت ژئواکونومیک منطقه آسیای مرکزی گفت: اصلاحات سیاسی در پی ظهور جمهوری‌های تازه استقلال یافته، چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی عظیمی را به وجود آورده است.

جمعیت جوان و بازار گسترده آسیای مرکزی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی فوق‌العاده‌ای پدید آورده است. وی در مورد استراتژی آمریکا در آسیای مرکزی گفت: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده به سرعت استراتژی بین‌المللی خود را تغییر داد و آماده ورود به جنگ اقتصادی و برتری یافتن در این عرصه شد.

وی افزود: سیاست جدید آمریکا به حوزه اقتصاد بر پایه اصولی چون تکنولوژی محیط‌زیست، اطلاعات، حمل و نقل، انرژی، خدمات عمومی، آزاد کردن مبادلات تجاری و تفسیر قواعد بازی به نفع خود است.

**دکتر جواد عباسی: سیاست‌های ایلخانان در ماوراءالنهر**  
دکتر عباسی، عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به فتوحات چنگیز و محدوده ایران در دوران مغولان

گفت: اصطلاح «ایران زمین» در تاریخ‌نگاری عصر رشیدالدین به کثرت مورد استفاده قرار گرفتن این مسئله که ناشی از قلمرو جغرافیایی تحت سلطه مغولان بود باعث شد تا ایران به صورت ناخودآگاه به چارچوب مرزهای قدیمی خود برگردد که منظور سرزمین ایران از سمت جیحون به سمت جنوب است.

وی در مورد تقسیم سرزمین‌های آسیای مرکزی بین جانشینان چنگیز گفت: در این تقسیم‌بندی مقرر شد سرزمین‌های حد فاصل چین تا مغولستان و جیحون و انتهای ماوراءالنهر، سهم جغتای باشد. سرزمین‌های چین و مغولستان به اوکتای خان رسید و قسمت‌های قراقوم تا غرب اروپا به جوچی تعلق گرفت ولی چون وی قبل از مرگ چنگیز در گوشت، میراث وی به خاندانش رسید. وی افزود: در این تقسیم‌بندی قلمرو چنگیز تا جیحون متعلق به جغتای بود ولی برای سرزمین‌های ماورای آن پیش‌بینی نشده بود که علت آن کامل نشدن فتح ایران بود. براین اساس سرزمین‌های در حال فتح به عنوان میراث مشترک خاندان در نظر گرفته شدند.

دکتر عباسی با اشاره به چالش‌ها و ابهاماتی که پس از مرگ چنگیز در مورد متصرفات خاندانش پیش آمد، اظهار داشت: مدتی پس از مرگ چنگیز، حکومت خان بزرگ که در اختیار اوکتای‌قآن و پسرانش بود از این خانواده خارج شد. یکی از نتایج این مسئله به روی کار آمدن فرزند کوچکتر و محروم شدن خاندان اوکتای از حقوق قانونی‌شان بود. در نتیجه اعضای خاندان اوکتای به سمت مناطق غربی‌تر عقب‌نشینی کردند و وارد سرزمین‌هایی شدند که اولوس جغتای نامیده می‌شد و شامل ترکستان و ماوراءالنهر تا جیحون بود. این یکی از نقص‌هایی بود که در مورد وصیت چنگیز ایجاد شد. بر این اساس اولوس جغتای برای نیم قرن به اولوس جغتای و اوکتای تبدیل شد. آنها گاه با هم می‌جنگیدند و گاه مصالحه می‌کردند، ولی هر دو در این مناطق حضور داشتند. وی ضمن اشاره به فتح ایران توسط هلاکوخان و ایجاد قلمرویی بسیار بزرگ در این سوی جیحون، در مورد نحوه تقسیم متصرفات جدید توسط جانشینان چنگیز گفت: چون هلاکوخان از خاندان تولوی بود در نهایت قرار بر این شد که هلاکو در ایران بماند و حاکم قلمروی بزرگی باشد و این به معنای ایجاد یک قلمروی مغولی جدید در مجموعه این امپراطوری بود. طبق وصیت چنگیز، جیحون مرز جغتایان بود ولی تکلیف ماورای آن که ایران بود، مشخص نشده بود. از یک سو هلاکوخان با تأیید برادرش این قسمت را به تصرف درآورده بود و آن را از آن خود می‌دانست و از سوی دیگر جغتایان با استناد به اینکه ماورای جیحون میراث مشترک است، مدعی بودند که در ایران حقوقی دارند. بر این

وی افزود: همزمان با اتحاد حکومت ترکستان با بخارا بر سر منافع مشترک، روند سانسور در نشریات ولایت بخارا آغاز شد که براساس آن نشریاتی چون سمرقند توقیف شدند و زمینه رشد نشریات ازبکی زبان مهیا شد.

رئیس مرکز مطالعات وزارت امور خارجه در مورد رسالت و کارکرد مطبوعات پس از انقلاب سرخ اظهار داشت: مطبوعات پس از ۱۹۱۹ ارگان حکومت شدند و وظیفه اساسی شان تبلیغ فعالیت‌های حکومتی بود. حتی نشریات فرهنگی هم که وظیفه روشنگری داشتند، همین مسیر را دنبال می‌کردند.

دکتر موسوی با اشاره به تبلیغ تغییر خط فارسی به لاتین توسط این نشریات گفت: بعد از مدتی تمام نشریاتی که به خط فارسی منتشر می‌شدند، توقیف شدند و پنجاه سال پس از این دوره، خط لاتین به خط سرلیک تبدیل شد.

وی افزود: نشریات آسیای مرکزی تا قبل از ۱۹۱۷ به سه زبان روسی، ازبکی و فارسی منتشر می‌شدند ولی پس از شکل‌گیری جمهوری‌های آسیای مرکزی از سال ۱۹۲۷، نشریات به زبان‌های ترکمنی، قزاقی و قرقیزی نیز منتشر شدند.

دکتر موسوی در مورد وضعیت نشریات فارسی‌زبان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گفت: در تاجیکستان برخی نشریات به دو زبان منتشر می‌شوند و علی‌رغم علاقه زندالووصف مردم به زبان فارسی، به خاطر تنگناهای اقتصادی، توجه جدی به این زمینه نمی‌شود.

وی با اشاره به لاتینی بودن خط نشریات در ازبکستان اظهار داشت: نسل جدید این کشور، هم با خط و هم با زبان فارسی بیگانه شده است.

#### دکتر محسن خلیلی: دولت‌های ناکام

دکتر خلیلی، عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در مورد ساختار حکومت‌های آسیای مرکزی گفت: برگزاری انتخابات در این منطقه به یک معضل تبدیل شده است، زیرا برگزاری آن از یک سو مخالفت کشورهای غربی به ویژه دولت آمریکا را با تغییر رژیم برمی‌انگیزد و از سوی دیگر عدم برگزاری انتخابات مورد اعتراض ناظران بین‌المللی و به خصوص آمریکایی‌های طرفدار جهانی‌سازی قرار می‌گیرد.

وی در مورد مفهوم انقلاب‌های رنگی که یکی پس از دیگری در این کشورها در حال شکل‌گیری است، اظهار داشت: انقلاب‌های رنگی در این کشورها به یک پدیده واقعی تبدیل شده است که پایه‌های اقتدارگرایی را یکی پس از دیگری به اضمحلال می‌کشاند.

دکتر خلیلی تحولات کشورها در این مناطق را در چارچوب

اساس سلسله جنگ‌هایی بین آنها رخ داد که نزدیک ۸۰ سال از حکومت ایلخانان را دربر گرفت و طی آن بارها جغتاییان به خراسان حمله کردند و ایلخانان در مقابل از متصرفات خود دفاع کردند.

وی افزود: در مجموع تلاش ایلخانان باعث شد تا جیحون به عنوان مرز شناخته شود و شاهد این ادعا این که در نقشه‌های دربار مغولان در چین، آن سوی جیحون «موسایی» نامیده شده است که منظور همان ابوسعید ایلخانی است.

عضو هیأت علمی دانشگاه مشهد در مورد سیاست‌های ایلخانان برای حفظ قلمرو خود در این منطقه گفت: علاوه بر جنگ و دفاع، سیاست اصلی ایلخانان دخالت در امور داخلی ماورالنهر بود. به این معنی که از طریق اقدامات پیش‌گیرانه شاهزاده‌ها یا امرای منطقه ماوراءالنهر را علیه جغتاییان تحریک می‌کردند تا به جنوب جیحون حمله کنند. سیاست دیگر تبدیل کردن خراسان به منطقه ولیعهدنشین خاندان ایلخانان بود.

وی افزود: همراه با سیاست‌های پیشگیرانه، گاه سیاست زمین سوخته نیز اعمال می‌شد تا نیروهای جغتاییان امکان حضور و ورود به آن سوی جیحون را نداشته باشند. در این راستا بخارا بارها به خاک و خون کشیده شد و خالی از سکنه گردید. دکتر عباسی تصریح کرد: نتیجه همه این سیاست‌ها و جنگ‌ها از یک سو تثبیت موقعیت جیحون به عنوان یک نقطه مرزی در مرزبندی‌های آینده و از سوی دیگر بازگشت به جدایی دنیای تورانی و ایرانی بود.

#### دکتر سید رسول موسوی: تاریخ تحول مطبوعات در آسیای

##### مرکزی

دکتر موسوی، رئیس مرکز مطالعات وزارت امور خارجه در مورد تاریخچه مطبوعات در آسیای مرکزی گفت: پیدایش اولین نشریات در این منطقه به دهه هفتاد قرن نوزدهم برمی‌گردد و عمدتاً مربوط به دو ولایت ترکستان روسیه و بخارا بوده است. وی در مورد وضعیت مطبوعات در ولایت ترکستان روسیه اظهار داشت: در این منطقه مطبوعات توسط حکومت روسی منتشر می‌شدند.

دکتر موسوی درباره مطبوعات ولایت بخارا گفت: در عمارت بخارا نشریات از سوی روشنفکران و گروه جدیدیون بیشتر می‌شدند. مطبوعات بخارا وابسته به اپوزیسیون بودند و نویسندگانشان را فارسی‌زبانان تاجیک تشکیل می‌دادند. نشریاتی چون «بخارای شریف»، «فراغنه»، «صدای ترکستان» و «سمرقند» از جمله نشریات پرمحتوای فرهنگی بودند که به زبان فارسی و یا عربی منتشر می‌شدند.

دکتر کولایی با اشاره به شکل‌گیری هویت‌های جدید اسلامی در منطقه آسیای مرکزی خاطرنشان کرد: مقوله امنیت مهم‌ترین دغدغه ایران و روسیه در آسیای مرکزی است زیرا روس‌ها علی‌رغم تبلیغات آمریکا می‌دانند که ایران عامل گسترش رادیکالیسم اسلامی در منطقه نیست و آنچه در حال گسترش است اسلام طالبانی است نه مدل اسلام ایرانی.

وی با اشاره به محدودیت‌هایی که در راه انتقال انرژی در آسیای مرکزی وجود دارد، اظهار داشت: این منابع عظیم بیش از کل انرژی‌های جهان را نیز تشکیل نمی‌دهند ولی برای کاهش آسیب‌پذیری جهان صنعتی لازمند.

استاد دانشگاه تهران در مورد تأثیر حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی گفت: با حضور آمریکا، هم ایران و هم روسیه دچار دغدغه‌های امنیتی شده‌اند ولی با توجه به اختلافات ایران و آمریکا چالش‌های روسیه با آمریکا و پیگیری سیاست جدید آمریکا در مهار روسیه، واضح است که منازعه ایران و آمریکا به فرصت چشم‌گیر و بی‌نظیری برای روسیه برای حل و فصل مشکلاتش با آمریکا بدل شده است.

#### دکتر جهانگیر کرمی: بزرگترین دشمن روسیه

دکتر کرمی، پژوهشگر و کارشناس مسائل روسیه و آسیای مرکزی اولویت روسیه در آسیای مرکزی را هم چنان مسائل امنیتی ذکر کرد و گفت: روسیه در سه جهت غربی، شرقی و جنوبی دچار مشکلات و مسائل امنیتی است. روس‌ها از غرب تجربه حمله سوئدی‌ها و فنلاندی‌ها، ناپلئون و هیتلر را دارند و امروز گسترش ناتو در این منطقه خطرآفرین است. در جنوب، تجربه تشکیل دولت مسلمان تاتارستان که حدود ۲۰۰ سال بر روسیه حکومت کرده وجود دارد که امروز به وسیله جمعیت‌های اسلام‌گرا در حال تکرار است و این تهدیدی است که می‌تواند روسیه را چند پاره کند. وی تصریح کرد: از نگاه روسیه، تهدید شرق و غرب چندان خطرناک نیست زیرا ابزار مقابله با آن دکترین هسته‌ای در مقابل غرب و ابزارهای اقتصادی در برابر چین در شرق است، را در اختیار دارد. ولی حضور مسلمانان در جنوب روسیه تهدیدی است که روسیه ابزار مقابله با آن دکترین هسته‌ای در مقابل غرب و ابزارهای اقتصادی در برابر چین در شرق را در اختیار دارد.

کرمی منطقه آسیای مرکزی را برای روسیه فاقد اهمیت اقتصادی چشمگیر دانست و در مورد دلایل عدم اهمیت این منطقه برای چین و آمریکا گفت: چین تصمیم گرفته است تا بیست سال آینده فقط توسعه اقتصادی داشته باشد و تنها به خاطر خطری که ممکن است استان سین کیانگ را تهدید کند،

نظریه دولت‌های ناکام تفسیر کرد و با اشاره به دیپلماسی آمریکا و گروه‌های حاکم در سیاست خارجی آن کشور گفت: آمریکا همیشه برای خود نوعی تهدید تاریخی قایل شده است پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای رهایی از این پارادوکس، دشمن خود را بنیادگرایی و تروریسم معرفی کرد.

وی افزود: براندازی دولت‌های ناکام و سیاست تغییر رژیم‌های غیرمردمی مبنای اصلی سیاست آمریکا اعلام شده است که بر پایه شعارهایی چون نهادینه کردن مردم سالاری، تقویت دموکراسی، ارتقای سطح زندگی مردم در کشورهای فقیر و مبارزه با روند رو به گسترش تروریسم پی‌گیری می‌شود.

دکتر خلیلی دو عنصر تحریک سازنده و انقلاب دموکراتیک دائمی را اساس سیاست جدید آمریکا در منطقه خواند و اظهار داشت: آمریکا تلاش می‌کند در کشورهایی که ساختار سیاسی ضعیف و شکننده‌ای دارند از طریق نظامی‌گری دموکراسی را گسترش دهد. منطقه اوراسیا به مثابه فضای حیاتی آمریکا در فضای بازی بزرگ جدید، پتانسیل تولید دولت‌های ناکام را یافته و براساس استراتژی آمریکا می‌بایست با تدبیر و تولید انقلاب‌های مخملین منافع آتی را تأمین کرد.

#### دکتر الهه کولایی: نقش ایران و روسیه در آسیای مرکزی

خانم دکتر کولایی، استاد دانشگاه تهران ضمن اشاره به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) گفت: با فروپاشی شوروی، تصور می‌شد که روسیه به سرعت به سمت هویت غربی خود روی آورد و دولتی از نوع غربی در آن کشور مستقر شود و به سمت دموکراتیک شدن گام نهند، در حالی که چنین نشد.

وی با تأکید بر پیوند ناگسستنی روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی گفت: تغییر نگرش سیاست خارجی و توجه به آسیا، پیوندهای امنیتی با جمهوری‌ها باعث تغییر روابط روسیه با ایران شده است به گونه‌ای که ایران اکنون به عنوان یک همکار قابل اعتماد روسیه مطرح است و دیگر عامل تهدید تلقی نمی‌شود.

خانم دکتر کولایی افزود: ضرورت توجه به این بخش از جغرافیای روسیه و تنظیم روابط با کشورهای منطقه از سوی دولت روسیه نشانگر تحول در روابط خارجی روسیه است.

وی با تأکید بر اهمیت حوزه شرقی دریای مازندران اظهار داشت: منابع انرژی این منطقه همچنان مهم‌ترین سیاست خارجی آمریکا و روسیه است و تقابل ایران و آمریکا، فرصت‌های عظیمی برای روسیه فراهم کرده تا محدودیت‌های جدی برای ایران در دستیابی به منافعی در حوزه آسیای مرکزی ایجاد کند.

متوجه این منطقه است.

برای آمریکا علت اهمیت آسیای مرکزی، مسائل افغانستان و استفاده از پایگاه‌های نظامی این کشور برای حمله به طالبان در افغانستان بود.

کرمی در مورد دلایل اهمیت منطقه آسیای مرکزی برای ترکیه و ایران گفت: ترکیه بیشتر به دنبال مسائل فرهنگی - زبانی در این مناطق بوده است ولی در حال حاضر مسائل امنیتی و الحاق به اتحادیه اروپا را در اولویت قرار داده است. برای ایران هم اولویت اول خلیج فارس است و کشورهای حوزه آسیای مرکزی بیشتر به خاطر مسائل زبانی اهمیت دارند.

وی در مورد امکانات روسیه در این مناطق برای حل مسائل امنیتی‌اش گفت: روسیه دارای ساختارها و زیرساخت‌هایی در این منطقه است که امنیت سیاسی آن کشور را تأمین می‌کند. «ساختارها» شامل سازمان‌هایی چون اتحادیه آسیای مرکزی، دفاع و امنیت جمعی، نیروی واکنش سریع، فرماندهی مشترک نظامی و نیز تعدادی پایگاه نظامی در کشورهای تاجیکستان و قزاقستان است. «زیرساخت‌ها» هم شامل زبان و فرهنگ روسی، نخبه‌گان تربیت شده در دوران کمونیستی و ساختار اداری و سیاسی است.

وی افزود: در پانزده سال اخیر ساختارها و زیرساخت‌های فوق به تدریج تضعیف شده‌اند. با روی آوردن مردم به استفاده از زبان بومی، زبان روسی اهمیت گذشته خود را از دست داده و در حال نابودی است. تحولات نسلی رخ داده و نخبه‌گان جدیدی روی کار آمده‌اند که تحصیل کرده کشورهای غربی و اسلامی هستند. ناسیونالیسم در حال شکل‌گیری است. در عین اینکه فقر و بیکاری افزایش یافته و روسیه هیچ برنامه‌ای برای حل این مسائل در نظر نگرفته است.

کرمی خاطر نشان کرد: کشورهای منطقه حاضرند هر امتیازی به غربی‌ها برای سرمایه‌گذاری در این مناطق بدهند ولی کشورهای غربی از سرمایه‌گذاری در این مناطق استقبال نمی‌کنند و روسیه گزینه ناگزیرشان بوده است.

وی افزود: روسیه هنوز قدرتمندترین کشور منطقه است، هر چند می‌تواند این مناطق را به تصرف درآورد ولی نیک می‌داند که دوران امپراطوری گذشته است و امروز دوره همگرایی است. در مقابل کشورهای این منطقه هم با وجود اینکه روسیه را دشمن اصلی خود می‌دانند ولی چون هیچ متحد دیگری ندارند، همچنان متحد روسیه باقی می‌مانند.

**دکتر پادافالوچان دش، استاد دانشگاه بمبئی رئیس مرکز**

**مطالعات بمبئی**

در مورد نحوه تقسیم دریای مازندران و چگونگی آن بین کشورهای ساحلی گفت: روسیه و ایران معتقدند که وضعیت موجود باید حفظ شود اما کشورهای جمهوری آذربایجان و قزاقستان اصرار دارند قواعد مربوط به دریاها در مورد آن‌ها نیز اعمال شود.

وی در مورد پیشنهاد ایران در تقسیم دریای مازندران گفت: ایران پیشنهاد کرده تا این دریا به صورت مساوی بین همه طرف‌های درگیر تقسیم شود و به همه بیست درصد تعلق گیرد.

وی افزود: ولی روسیه و قزاقستان با این پیشنهاد مخالفند و مدل منطقه ساحلی را ارایه کرده‌اند که در آن قزاقستان به خاطر اینکه طولانی‌ترین خط ساحلی را با خزر دارد، منافع بیشتری عایدش می‌شود و اگر مدل پیشنهادی آنها محقق شود ۶۶ درصد خزر متعلق به آنها و ۳۴ درصد بقیه بین ۴ کشور دیگر تقسیم می‌شود.

رئیس مرکز مطالعات بمبئی با اشاره به حضور آمریکا در این منطقه اظهار داشت: آمریکا در قرقیزستان یک پایگاه و در تاجیکستان دو پایگاه دارد. هم‌چنین در افغانستان، عراق و پاکستان نیز حضور پررنگی دارد. هنگامی که آمریکا تصمیم می‌گیرد، ایران را دور بزند، با روسیه همداستان می‌شود و هنگامی که تصمیم می‌گیرد، روسیه را دور بزند با همه کشورهای منطقه غیر از ایران همراه می‌شود.

دکتر دش از چهار مسیر قابل بررسی برای خط انتقال انرژی دریای مازندران به هندوچین سخن گفت و افزود: یکی از مسیرها در قزاقستان با منطقه تنگیس یکی می‌شود و دیگری از ترکمنستان به سمت چین کشیده می‌شود که ایران می‌تواند در مسیر خط لوله دوم (ترکمنستان - چین) سهم مؤثری داشته باشد. دو خط لوله دیگر انرژی را به هند منتقل می‌کند و یکی از ایران به پاکستان و هند و دیگری از افغانستان به پاکستان و هند می‌رود.

وی با تأکید بر توافق‌ها و همکاری منطقه‌ای برای انتقال این انرژی‌ها به هندوچین خاطر نشان کرد: جز چین و هند هیچ کشور دیگری را نمی‌توان یافت که توسعه اقتصادی ۸ تا ۱۰ درصد را حفظ کرده باشد. این رشد اقتصادی نیازمند انرژی است که می‌تواند از طریق ایران و غرب آسیا به این مناطق وارد شود.

دکتر دش این پیشنهاد را سناریوی برنده - برنده خواند که در آن تولیدکنندگان انرژی، آن را به کشورهای مورد نیاز می‌فروشند و کشورهایی که اجازه انتقال این انرژی را از خاکشان می‌دهند، مالیات دریافت می‌کنند.

### ویکتوریا پانفیلوا: روس‌ها در آسیای مرکزی

ویکتوریا پانفیلوا، روزنامه‌نگار روسی در مورد وضعیت روس‌زبانان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گفت: از سال ۱۹۹۱ به ساکنان روس زبان مناطق آسیای مرکزی به چشم اقلیت‌های قومی - نژادی نگریسته می‌شود و حتی در برخی از کشورها از لحاظ دینی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان اقلیت‌ها و گروه‌های بیگانه ارزیابی می‌شوند.

وی افزود: مهاجرت روس‌زبانان از مناطق آسیای مرکزی از دهه نود آغاز شده و در حال حاضر تنها ۴ میلیون روس‌زبان در این مناطق باقی مانده‌اند.

این روزنامه‌نگار در مورد وضعیت روس‌ها در جمهوری قزاقستان اظهار داشت: روس‌ها ۳۵ درصد شهروندان قزاقستان را تشکیل می‌دهند و چندین سازمان اجتماعی فعال دارند که از حقوق روسی زبان‌ها حمایت می‌کند به علاوه در بسیاری از مدارس، زبان روسی و قزاقی به صورت هم‌زمان تدریس می‌شود و چند دانشگاه روسی‌زبان نیز دایر است.

وی در مورد وضعیت روسی‌زبانان در قرقیزستان گفت: روس‌ها در این کشور معمولاً در بخش‌های صنایع، حمل و نقل، ساختمان و ارتباطات حضور فعالی دارند.

وی با اشاره به مباحثی که پیرامون زبان رسمی و دولتی در قرقیزستان مطرح شده، اظهار داشت مطرح شدن مباحث زبانی باعث مهاجرت بسیاری از مسلمانان و روس‌ها از این کشور شد تا اینکه عسگر آقاییف، رئیس جمهور قرقیزستان، با مطرح کردن شعار قرقیزستان خانه واحد ماست، تا حدی جلوی مهاجرت‌ها را گرفت ولی بروز انقلاب‌های رنگین در جمهوری‌های شوروی، موجب خروج روس‌ها از قرقیزستان شد.

پانفیلوا در تشریح وضعیت روسی‌زبانان ازبکستان گفت: روس‌ها حدود یک میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیونی ازبکستان را تشکیل می‌دهند و آنها وضعیت اقتصادی نامناسبی دارند و حتی امکان مالی بازگشت به وطن تاریخی خود را ندارند، در ازبکستان استفاده از زبان و فرهنگ روسی بسیار محدود است که علت آن توجه اسلام کریم اف، رئیس جمهور ازبکستان به آمریکا در زمینه سیاست خارجی است.

وی خاطر نشان کرد: وضعیت روس‌ها از نوامبر ۲۰۰۵ به خاطر امضای قرارداد همکاری بین فدراسیون روسیه و جمهوری ازبکستان بهبود یافته و حتی چندی پیش شعبه دانشگاه مسکو در آن کشور افتتاح شد.

این روزنامه‌نگار روسی با اشاره به قرارداد تابعیت مضاعف تاجیکستان با روسیه در مورد شرایط زندگی روس‌زبانان در این جمهوری اظهار داشت: تا سال ۱۹۹۰، حدود ۴۵۰ هزار نفر روسی در این منطقه زندگی می‌کردند، اما امروزه تعداد آنها به کمتر از ۵۰ هزار نفر رسیده است.

وی علت مهاجرت روس‌ها از این منطقه را جنگ‌های داخلی در این کشور عنوان و تصریح کرد:

امام علی رحمانف، رئیس جمهوری تاجیکستان، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به فرهنگ روسیه از خود نشان داده و دستور داده تا آموزش زبان روسی در مدارس این کشور الزامی شود.

دولت روسیه نیز با حمایت از این اقدام، ۳۰۰ هزار دلار به آن اختصاص داده است. پانفیلوا وضعیت روس‌زبانان در ترکمنستان را بدتر از دیگر جمهوری‌ها توصیف کرد و گفت: طی ۱۵ سال اخیر، روس‌زبانان بسیاری از این کشور خارج شده‌اند و از سال ۲۰۰۳ هم‌زمان با لنو قرارداد تابعیت مضاعف بین روسیه و ترکمنستان روزند مهاجرت افزایش یافته است. نه تنها کاربرد زبان روسی در این کشور ممنوع شده که حتی از ورود روس‌ها نیز ممانعت می‌شود.

### قربانعلی ادریس اف: نقش صدرالشریعه در حفظ و گسترش سنت علمی - فرهنگی تاجیکان

آقای ادریس اف، پژوهشگر تاجیک، یکی از دوران‌های سخت تاجیکستان را دوره حمله مغول عنوان کرد و گفت: تاخت و تازهای مغولان باعث کاهش سطح فرهنگی سرزمین‌های ماوراءالنهر شد

وی افزود: عامل دیگر کاهش سطح فرهنگی این منطقه، تاخت و تاز قبایل ترک مغول برای دستیابی به چراگاه‌ها در مراتع این مناطق بود که در جریان آن تمام شهرهای آباد ویران می‌شدند. ضمن آنکه عدم وجود حکومت مقتدر و منسجم که قادر به حمایت از منافع اهالی بومی باشد، به انحطاط فرهنگی در این منطقه دامن زده است.

کارشناس مرکز مطالعات تاجیکستان تصریح کرد: در چنین شرایطی علمای ماوراءالنهر مسئولیت سنگینی برای حفظ سنت‌های فرهنگی و دینی بر عهده داشتند که عبدالله مسعود، مشهور به صدرالشریعه یکی از این افراد بوده است.

وی ضمن معرفی و تشریح آثار صدرالشریعه، اظهار داشت: با همت و تلاش وی، سنت علمی و فرهنگی نه تنها در جامعه ماوراءالنهر حفظ شد بلکه توسعه و گسترش نیز یافت.